

پدیدارشناسی تجارب معلمان از آسیب های آموزش در کلاس های چند پایه روستایی کرمانشاه و راه کارهای بهبود کیفیت آموزش در آنها

امیر مرادی^۱، محسن کردلو^۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر، پدیدارشناسی تجارب معلمان از آسیب های آموزش در کلاس های چند پایه روستایی و راه کارهای بهبود آموزش در آنها است. برای درک تجارب زیسته معلمان از روش پژوهش نمودشناسی تفسیری که از رویکردهای پژوهش کیفی و روش تحلیل محتوا است، استفاده شده است. نمونه آماری پژوهش حاضر، بر اساس نمونه گیری هدف مند، از بین معلمان انتخاب شدند که بیش از دو سال در کلاس های چند پایه سابقه تدریس داشته اند. داده ها از راه مصاحبه های ژرف نیمه سازمان یافته با ۱۲ معلم (۶ مرد و ۶ زن) در مورد تجارب و ادراک شان درباره سوالات پژوهش جمع آوری و سپس به روش ون منن تحلیل شدند. بر بنیاد یافته های پژوهش، آسیب های آموزش در کلاس های چند پایه شامل کمبود وقت، امکانات و تجهیزات کمک آموزشی، بهره گیری از معلمان کم انگیزه و کم تجربه، شیوه های تدریس ناکارآمد، تفاوت سنی و ترکیب جنسیتی، دو زبانه بودن، ضعف علمی پایه ای، غیبت زیاد است. بهره گیری از فناوری های آموزشی، انتخاب معلم یار، الگوهای نوین تدریس، حمایت مسئولان، تهیه تجهیزات کمک آموزشی و استفاده از معلمان بانگیزه راه کارهای پیشنهادی جهت بهبود کیفیت آموزش مدارس چندپایه بودند. در پایان می توان چنین نتیجه گیری کرد که با بکارگیری راه کارهای آموزشی و روان شناختی، دانش آموزان چندپایه می توانند پیشرفتی همسان با دانش آموزان کلاس های تک پایه داشته باشند.

واژگان کلیدی: پدیدارشناسی، آسیب های آموزشی، چند پایه، روستایی، راه کارها، کیفیت آموزش.

^۱ - استادیار گروه علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فرهنگیان، پست الکترونیک: a.moradii@cfu.ac.ir

^۲ - دانش آموخته دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی تهران، مدرس دانشگاه فرهنگیان، پست الکترونیک: Mohsenkordlo@yahoo.com

Phenomenology of teachers' experiences of Training injuries In multi-grade rural classes in Kermanshah and strategies to improve the quality of education in them

Amir Moradi^۱, Mohsen Kordlou^۲

Abstract

The aim of the present study is to Phenomenology of teachers' experiences of Training injuries In multi-grade rural classes in Kermanshah and strategies to improve the quality of education in them. To understand the lived experiences of teachers, the method of interpretive morphology, which is a qualitative research approach and content analysis method, has been used. The statistical sample of the present study, based on purposive sampling, was selected from teachers who have taught in multi-grade classes for more than two years. Data were collected through in-depth semi-organized interviews with 12 teachers (6 males and 6 females) about their experiences and perceptions of research questions and then analyzed by Van Manen method. According to the research findings, the training injuries in multi-grade classes include lack of time, teaching aids and facilities, use of less motivated and inexperienced teachers, inefficient teaching methods, age difference and gender composition, bilingualism, basic scientific weakness, and high absenteeism. Suggested strategies for improving the quality of multi-level school education include the use of educational technologies, teacher selection, new teaching models, support from officials, provision of teaching aids and the use of motivated teachers. In the end, it can be concluded that by applying educational and psychological strategies, multi-level students can make the same progress as students in single-grade classes.

Keywords: Phenomenology, Educational injuries, Multi-grade, Rural, Strategies, Quality of education.

^۱ - Assistant Professor, Department of Educational Sciences and Psychology, Farhangian University, E-mail: a.moradii@cfu.ac.ir.

^۲ - PhD student in Philosophy of Education, Kharazmi University of Tehran, lecturer at Farhangian University, Email: Mohsenkordlo@yahoo.com

از دیدگاه متخصصان تعلیم و تربیت، مهم‌ترین و اساسی‌ترین مقطع نظام آموزشی، دوره ابتدایی است که در ایجاد تحولات اساسی در جوامع و پیشرفت آن‌ها نقش مهمی را ایفا می‌کند. این دوره زمانی در پیشرفت و توسعه دولت‌ها موثر واقع می‌شود که کیفیت مناسبی بر آن حاکم باشد. در نظام آموزش و پرورش هر جامعه‌ای، مدارس ابتدایی از جایگاه والایی برخوردار بوده و به نام‌های تعلیمات ابتدایی، تعلیمات اجباری، آموزش همگانی و آموزش عمومی خوانده شده است (شکوهری، ۱۳۸۵). این دوره نه تنها پایه و مبنای مهم برای دوره‌های بعدی محسوب می‌گردد؛ بلکه بخش عمده‌ای از تربیت و یادگیری‌های کودکان که بزرگترین سرمایه و ثروت بالقوه جوامع را تشکیل می‌دهند، در مدارس ابتدایی تحقق می‌یابد (ده‌بندی، ۱۳۸۵).

در جوامع مختلف، دوره ابتدایی با توجه به جمعیت دانش‌آموزی آن به صورت‌های مختلفی برگزار می‌گردد، یکی از این شیوه‌ها، تشکیل کلاس‌های چندپایه^۱ می‌باشد. منظور از آموزش چندپایه موقعیت‌هایی است که در آن دانش‌آموزانی که از نظر سنی و توانایی گوناگون هستند، همه زیر یک سقف آموزش می‌بینند. از نظر سازمانی، آموزش چندپایه می‌تواند شکل‌های گوناگونی به خود بگیرد: از مجموعه‌ای از پایه‌های آموزشی معمولی زیر نظر یک آموزگار تا محیط‌های آموزشی که اصولاً هیچ‌گونه پایه‌بندی ندارد. به این ترتیب مدارس چندپایه، نقطه‌مقابل مدارس سنتی است، که در آن دانش‌آموزان هر پایه در اتاقی جداگانه و با آموزگاری ویژه خود آموزش می‌بینند (آقازاده، ۱۳۹۱: ۱۲). اگر چه در حال حاضر وجود یک کلاس چندپایه چالش‌ها و مشکلاتی را به همراه دارد، اما می‌توان گفت که یک کلاس چندپایه نمادی از تمام برنامه‌های آموزشی، پرورشی و اداری آموزش و پرورش در نوع ارائه خدمات در این حوزه‌ها می‌باشد (میرشفیعی، ۱۳۹۴).

آموزش چندپایه‌ای راه‌کاری است برای جلوگیری از بسته شدن مدارس معمولی که از نظر اقتصادی به صرفه نیستند. این نوع آموزش نقش مهمی در بهبود میزان دستیابی به آموزش ابتدایی دارد و با وجود محدودیت‌ها و دشواری‌هایی که در زمینه‌های مالی و نیروی انسانی وجود دارد به ارائه خدمات آموزشی کمک شایانی می‌کند (حاجی اسحاق، ۱۳۸۳).

در خصوص کلاس‌های چندپایه، آسیب‌های آموزشی آن و راه‌کارهای بهبود کیفیت آموزش در آن پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است، مثلاً پیروی چشناسر، شعبان‌نژاد و کرمی پورشمس‌آبادی (۱۳۹۴) دریافتند که عوامل درون‌کلاسی و برون‌کلاسی (کمبود وقت برای تدریس، عدم برخورداری از تجهیزات و امکانات، نوع چیدمان، برنامه‌ریزی، زیباسازی فضای مدرسه، بیسوادی اولیا، تدریس محتوای مشترک پایه‌ها در یک جلسه، یکسان بودن محتوای برنامه‌درسی، انتشار فصلنامه ویژه کلاس‌های چندپایه، تدوین دفتر ثبت شاخص‌های توصیفی و پوشه کار ویژه چندپایه، کمبود وسایل کمک آموزشی، عدم دسترسی به منابع آموزشی جدید و ناکافی بودن سرانه) در فرایند تدریس و کلاس‌داری تأثیر دارد. بشیری حدادان (۱۳۹۲) در پژوهش خود نشان داد؛ کیفیت آموزش به دلیل عدم آگاهی معلمان با روش‌های تدریس ویژه این کلاس‌ها و برگزار نشدن دوره‌های آموزشی ویژه چندپایه پایین بوده و با مشکلات متعددی مواجه است که از مهمترین آن‌ها نداشتن دوره‌های آموزشی ویژه چندپایه، ضعف بنیه علمی دانش‌آموزان چندپایه، کمبود وقت آموزشی، کمبود سرانه، کمبود امکانات و وسایل کمک آموزشی است. صمدیان (۱۳۸۵) اعلام می‌کند مسایلی مانند مهاجرت روستاییان، تعصبات قومی، بالا رفتن سن ازدواج، کاهش جمعیت، پراکندگی روستاها، عدم تأمین نیروی انسانی مجرب و افزایش نرخ تکرار پایه و ... باعث شده کلاس‌های چند پایه در مناطق روستایی کشور گسترش یابد. آقازاده و فضلی (۱۳۸۹) نیز بر گسترش کلاس‌های چندپایه در مناطق روستایی از دو جنبه فلسفی و ملاحظات اداری اشاره می‌کنند. از لحاظ فلسفی (بهبود رشد شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان و کاهش رفتارهای ضد اجتماعی) و از لحاظ ملاحظات اداری (عواملی مانند کاهش جمعیت دانش‌آموزی، نیازهای اداری-مالی، موقعیت جغرافیایی) در توسعه کلاس‌های چند پایه در مناطق روستایی نقش دارند (نیلور، ۲۰۰۰؛ وینمن، ۱۹۹۵). ولی در کنار این مسایل و مشکلات، علت اصلی تشکیل کلاس‌های چندپایه در مناطق روستایی، به حد نصاب نرسیدن تعداد دانش‌آموزان یک پایه تحصیلی است (کیایی، ۱۳۸۲).

آدامز^۲ (۲۰۱۰) در پژوهش خود در مدارس چندپایه روستایی کانادا دریافت؛ مدارس چندپایه از نظر فضای آموزشی بسیار کوچکتر از مدارس تک‌پایه بوده و تعداد دانش‌آموزان این مدارس نسبت به مدارس تک‌پایه کمتر است. وی معتقد است این شیوه آموزش در کشورهای توسعه یافته کاربرد مناسبی دارند، البته معلمان این مدارس آموزش‌های زیاد و ویژه‌ای را جهت تدریس در آن‌ها طی می‌کنند. سارجنت^۳ (۲۰۰۵) در زمینه کلاس‌های چندپایه در کشور چین دریافت؛ چین برای

^۱- Multigrade classroom

^۲- Naylor

^۳- Veenman

^۴- Adams

^۵- Sargent

این که بتواند نرج جمعیت تحت پوشش آموزش خود را افزایش دهد رو به تشکیل کلاس‌های چندپایه آورد. اما این نوع آموزش مورد نقد والدین و معلمان است، چرا که آن‌ها کلاس‌های چندپایه را جایگزین مناسبی برای رشد و ترقی کشور نمی‌دانند. اجبار سیستم آموزشی چین جهت استفاده از این شیوه آموزشی از چند جهت است: جمعیت زیاد دانش‌آموزی، کمبود اماکن مناسب آموزشی، کمبود نیروی آموزشی و ... مکوسانا و کاپیسا (۱۳۸۶) نیز عوامل جغرافیایی، عوامل سیاسی، عوامل فرهنگی، عوامل اقتصادی- اجتماعی را از دلایل تشکیل کلاس‌های چندپایه در مناطق روستایی دانسته و این عوامل را باعث دور ماندن کودکان این مناطق از درس و مدرسه می‌دانند.

اهمیت و ضرورت این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که کلاس‌های چندپایه جزئی از پیکره بزرگ آموزش و پرورش کشور هستند، پژوهش‌ها در این رابطه با مسائل و مشکلات مدیریت این کلاس‌ها جای توجه و عنایت خاص خود را دارد. بنابراین لازم است برنامه‌ریزان آموزشی نسبت به تجزیه و تحلیل مشکلات و جایگاه مدیران آموزشی و نارسایی‌های کلاس‌های چندپایه اقدامات اصولی و عملی به انجام برسانند. همچنین با توجه به اهمیت وجود کلاس‌های چندپایه در ریشه‌کنی بیسواد در جامعه، توجه به مشکلات و آسیب‌های آموزشی این کلاس‌ها ضرورتی انکارناپذیر است. از نظر کاربردی، نتیجه پژوهش حاضر را می‌توان به سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مدیران و مسئولان ارائه داد و آن‌ها را از رویکردهای مفید و اثربخش آموزشی آگاه و به کار بست آن‌ها تشویق و ترغیب کرد. در نهایت اگر انتظار این است که آموزش و پرورش انسان‌های فردا را تربیت کند، ضرورت دارد دانش‌آموزانی که در مدارس و کلاس‌های ابتدایی، به ویژه مدارس روستایی و دور افتاده هستند مورد توجه قرار گیرند و آموزش با کیفیتی را دریافت کنند. بر این اساس، در این پژوهش محققان در صدد هستند تا به بررسی و پدیدارشناسی تجارب معلمان از آسیب‌های آموزش در کلاس‌های چند پایه روستایی کرمانشاه و راه کارهای بهبود آموزش در این کلاس‌ها بپردازند. لذا هدف اصلی پژوهش، پدیدارشناسی تجارب معلمان از آسیب‌های آموزش در کلاس‌های چند پایه روستایی کرمانشاه و راه کارهای بهبود آموزش در این کلاس‌ها است. دو سوال اصلی پژوهش عبارت است از:

- از دیدگاه شرکت کنندگان، مهم‌ترین آسیب‌های آموزش در کلاس‌های چند پایه روستایی کرمانشاه چیست؟

- از دیدگاه شرکت کنندگان، مهم‌ترین راه کارهای کیفیت‌بخشی به آموزش در کلاس‌های چند پایه روستایی کرمانشاه کدامند؟

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با استفاده از روش «نمودشناسی هرمنوتیکی» یا «نمودشناسی تفسیری» از رویکردهای پژوهش کیفی (گیون، ۲۰۰۸) صورت گرفته است. این روش نخستین بار از سوی هایدگر (۱۹۹۶) و برای توصیف و بررسی بودن و نیز هستی آدمی به کار گرفته شد. او برای این کار نمودشناسی هوسرل را با اندیشه‌های دلتی درباره فهم آمیخت که هم نمودشناسی و هم هرمنوتیک را متحول کرد (ضرغامی و بازقندی، ۱۳۸۹).

نمودشناسی ریشه در نهضتی فلسفی دارد که هوسرل آن را آغاز کرد. به باور هوسرل (به نقل از ساکولوفسکی، ۲۰۰۰) نمودشناسی، روشی است که «دیدن» ذات، حقیقت یا معنای هر چیزی را ممکن می‌کند. وی بر این باور بود که نقطه شروع دانش، تجربه درونی فرد از پدیده‌ها است که عبارتند از؛ احساس‌ها، ادراک‌ها و تصویرهایی که به هنگام متمرکز کردن توجه بر یک شی در آگاهی آشکار می‌شود، هوسرل فرایندهای مختلفی را- که آن‌ها را با اصطلاحات غربی چون تعلیق حکم، فروکاهش استعلایی- پدیدارشناختی، تغییر خیالی و عمل ادراک توصیف کرد (گال و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰۴۸). بنابراین تأکید هوسرل در بررسی تجربه‌های آدمی بر آگاهی است. وی بر آن است که برای تحلیل و روشن‌بینی نسبت به تجربه و دانشی که از امور مختلف همچون درخت‌ها، اشخاص، اصول، فرشتگان و فرایندهای اجتماعی داریم، باید به بررسی آگاهی که از آن‌ها داریم، بپردازیم و با تحلیل این آگاهی به شیوه‌ای پدیدارشناسانه، به ماهیت اساسی آن‌ها راه یابیم (باقری، ۱۳۸۹: ۲۵۹).

در این پژوهش از نمودشناسی تفسیری با تأکید بر رویکرد ون منن برای کشف تجربه‌های زیسته شرکت کنندگان درباره آسیب‌ها و راه کارهای کیفیت‌بخشی آموزش در کلاس‌های چندپایه بهره گرفته شده است. به باور ون منن (۲۰۰۱) نمودشناسی تفسیری، رویکردی نظام‌مند برای مطالعه و تفسیر نمودها است و فرصتی فراهم می‌کند تا نمود موردنظر با رویکردی تفسیری تحلیل شود تا پژوهشگر در فرایند تفسیر تجربه‌های زیسته مشارکت کنندگان را درک کند. ون منن سه مرحله را برای هدایت پژوهش نمودشناسی تفسیری در قلمرو تربیت، پیشنهاد می‌کند. گام نخست گردآوری داده‌های مربوط به «زیست جهان» مشارکت کنندگان و نیز خود پژوهشگر است. تجربه‌های زیسته پژوهشگر از آن رو لازم است که از سویی او خود درباره مسأله پژوهش، تجربه‌هایی دارد و از سوی دیگر او است که تجربه‌های زیسته مشارکت کنندگان را تفسیر می‌کند. بنابراین در گام نخست از طریق مصاحبه، تجربه زیسته معلمان شرکت کننده در پژوهش که از منتخبان معلمان کلاس‌های چندپایه روستایی در سنوات قبل هستند، گردآوری می‌شود. گام دوم، آشکار ساختن موضوع‌های زیربنایی است. به سخن دیگر در این گام، ساختار زیربنایی داده‌ها، آشکار می‌شوند. در این گام داده‌های حاصل از تجربه زیسته معلمان چندپایه به تفکیک در دو موضوع محوری آسیب‌ها و راه کارها تفکیک می‌شود. گام سوم، سازماندهی پیشنهادها و جهت‌گیری‌ها برای اقدام عملی بر مبنای یافته‌های حاصل از برداشتن گام‌های پیشین است. لذا در گام آخر در دو محور اصلی آسیب‌ها و راه کارها تجارب زیسته معلمان تفسیر و تحلیل می‌شود بدین ترتیب این گام‌ها، چارچوبی برای اندیشه‌ورزی درباره نمود مورد مطالعه و تفسیر آن فراهم می‌کنند.

همچنین از روش تحلیل محتوا و به روش کیفی نیز جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شده است. تحلیل محتوای کیفی در جایی که تحلیل کمی به محدودیت‌هایی می‌رسد نمود می‌یابد. بنابراین تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی

نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست. همچنین با تحلیل محتوای کیفی می‌توان یک رویکرد تجربی، روش‌شناسانه و کنترل‌شده مرحله به مرحله را با رعایت عناصر مورد مطالعه در نظر گرفت (ایمان، ۱۳۸۸: ۱۷۲). شیوه به کارگیری روش تحلیل محتوا در این پژوهش بدین صورت بوده است که ابتدا فراوانی کمی مصاحبه‌ها از متن نوار استخراج شده و سپس از طریق تحلیل کیفی گویه‌ها و جملات متناسب با موضوع و سوالات محقق مورد تحلیل قرار گرفته است. تجزیه و تحلیل اطلاعات یک روند تقریباً متوالی است که به سوی توصیف و تفسیر دقیق پدیده مورد تحقیق منتهی می‌شود.

با نظر به هدف پژوهش حاضر، نمونه آماری ۱۲ نفر (۶ نفر خانم و ۶ نفر مرد) از شرکت‌کنندگان برگزیده از بین معلمان کلاس‌های چندپایه روستایی در سطح نواحی سه‌گانه شهر کرمانشاه می‌باشند (با توجه به رعایت اصل اخلاق‌نگری در پژوهش‌های کیفی، از ذکر اسامی شرکت‌کنندگان خودداری می‌شود). معیار انتخاب هدف‌مند شرکت‌کنندگان در پژوهش شامل این مورد بود که حداقل دو سال سابقه تدریس در کلاس‌های چندپایه روستایی را داشته باشند.

جدول شماره ۱: مشخصات شرکت‌کنندگان در پژوهش

شرکت‌کننده	جنسیت	مدرک و رشته تحصیلی	سابقه خدمت	سابقه خدمت در روستا	محل خدمت
۱	مرد	لیسانس - آموزش ابتدایی	۱۱ سال	۳ دوره	ناحیه یک
۲	مرد	لیسانس - آموزش ابتدایی	۱۵ سال	۲ دوره	ناحیه سه
۳	مرد	لیسانس - آموزش ابتدایی	۱۳ سال	۳ دوره	ناحیه یک
۴	مرد	لیسانس - آموزش ابتدایی	۱۰ سال	۱ دوره	ناحیه دو
۵	مرد	لیسانس - آموزش ابتدایی	۸ سال	۴ دوره	ناحیه دو
۶	مرد	فوق‌لیسانس - علوم تربیتی	۱۳ سال	۲ دوره	ناحیه یک
۷	زن	لیسانس - آموزش ابتدایی	۱۲ سال	۲ دوره	ناحیه سه
۸	زن	لیسانس - آموزش ابتدایی	۱۷ سال	۳ دوره	ناحیه یک
۹	زن	لیسانس - آموزش ابتدایی	۹ سال	۱ دوره	ناحیه دو
۱۰	زن	لیسانس - آموزش ابتدایی	۱۵ سال	۳ دوره	ناحیه یک
۱۱	زن	فوق‌لیسانس - ادبیات فارسی	۱۸ سال	۴ دوره	ناحیه سه
۱۲	زن	لیسانس - آموزش ابتدایی	۱۶ سال	۴ دوره	ناحیه یک

برای جمع‌آوری داده‌ها، از مصاحبه نیمه ساختار یافته و ژرف و از نمونه‌گیری هدف‌مند و در دسترس بهره گرفته شد. در فرآیند مصاحبه از سوالات باز و نیمه سازمان یافته استفاده شد به گونه‌ای که مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به سوالات آزادی عمل داشتند و تنها وظیفه محقق کنترل جهات پاسخ‌ها بود تا از مسیر اصلی پژوهش خارج نشوند. مصاحبه با دو پرسش کلی درباره تجربه تدریس در کلاس‌های چندپایه روستایی و آسیب‌های آموزش در آن و راه‌کارهای کیفیت‌بخشی به آن شروع شد.

با توجه به ملاحظات اخلاقی، قبل از شروع مصاحبه، شرکت‌کنندگان از اهداف و اهمیت پژوهش آگاه شدند و با رضایت آگاهانه در مصاحبه شرکت نمودند. جهت ضبط صدای شرکت‌کنندگان از آنها اجازه گرفته شد. پس از پایان هر مصاحبه، داده‌های مصاحبه‌ها به متن تبدیل شدند و متن حاصل، تحلیل موضوعی شد. جداسازی و نگارش گزاره‌های موضوعی، برای هر مصاحبه، جداگانه انجام شد. بدین ترتیب دسته‌بندی‌های نخستین شکل گرفت و موضوع‌های مربوطه در آن‌ها جای گرفتند. با تلفیق موضوع‌های تکراری و مشترک و حذف موضوع‌های نامرتب، موضوع‌های بنیادی مشترک نمودار شدند.

برای بررسی روایی و دقت پژوهش، اعتبار، اطمینان و تأییدپذیری داده‌ها، به این ترتیب بررسی شد (هالوی و ویلر، ۲۰۰۲): برای آزمودن اعتبار، یافته‌های پژوهش در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار گرفت و آن‌ها، یافته‌های پژوهش را با تجربه‌های زیسته خود بعد از تطابق پذیرفتند. همچنین ژرف‌اندیشی و علاقمندی و دقت پژوهشگران در فرآیند مصاحبه و توصیف، تجزیه و تحلیل و تفسیر متون مصاحبه اطمینان و تأییدپذیری یافته‌ها را تضمین کرده است.

یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر پس از تبدیل مصاحبه‌ها به متن و توصیف و تحلیل مصاحبه‌های انجام گرفته، مولفه‌های آسیب‌های آموزشی و راه‌کارهای کیفیت‌بخشی آموزش پیشنهادی معلمان چندپایه شرکت‌کننده در مصاحبه استخراج و در ادامه به ترتیب مضمون‌های آسیب‌های آموزشی و راه‌کارهای کیفیت‌بخشی ارائه خواهد شد.

الف - آسیب‌های آموزشی کلاس‌های چندپایه:

آسیب‌های آموزشی متعددی توسط شرکت‌کنندگان مطرح گردید. مهمترین آن‌ها موارد زیر است:

۱- کمبود وقت:

با توجه به حجم و تعداد کتب درسی در دوره ابتدایی، کمبود وقت یکی از چالش‌های مهم و اساسی کلاس‌های چندپایه است. کمبود وقت در اکثر موارد به افت تحصیلی دانش‌آموزان منجر می‌شود.

شرکت‌کننده شماره ۳: «ما آموزگاران ابتدایی در یک هفته ۲۵ جلسه‌ای باید ۱۵۰ جلسه تدریس و فعالیت آموزشی را برنامه‌ریزی نماید. بدین صورت که ۶ تا ۲۵ ساعت را در قالب چهار ساعت می‌گنجانند و میان دانش‌آموزان شش پایه تقسیم می‌کند که علاوه بر تلاش مضاعف، تعهد و ایثارگری و هنرمندی معلم را در اداره کلاس و به‌کارگیری روش‌ها و الگوهای تدریس و ایجاد فضای مساعد و دل‌انگیز توأم با ابتکار عمل و خلاقیت می‌طلبد که در اغلب اوقات کمبود وقت پیش می‌آید». شرکت‌کننده شماره ۹: «حجم زیاد کتاب‌های درسی و تعداد زیاد دانش‌آموزان در هر شش پایه و همچنین متفاوت بودن سطح درسی و علمی آن‌ها سبب شده است وقت برای آموزش و تدریس در پایه‌های مختلف کم بیاورم».

شرکت‌کننده شماره ۱۲: «قبلاً پنج پایه در ابتدایی داشتیم و می‌توانستیم وقت و زمان آموزش را مدیریت کنیم، اما حالا شش پایه داریم و متأسفانه به دلیل حجم زیاد محتوا و سنگینی دروس اصلی دچاز کمبود وقت می‌شویم».

۲- کمبود امکانات و تجهیزات کمک‌آموزشی:

تجهیزات کمک‌آموزشی و وسایلی هستند که در کلاس درس، کتابخانه، آزمایشگاه، کارگاه، مراکز دیداری و شنیداری و مرکز رایانه وجود دارند. فقدان منابع و مواد یاددهی- یادگیری یکی دیگر از آسیب‌های آموزشی کلاس‌های چندپایه است.

شرکت‌کننده شماره ۲: «اغلب مدارس و کلاس‌های چندپایه روستایی فاقد تجهیزات و وسایل کمک‌آموزشی مناسب هستند، چون اغلب این کلاس‌ها در روستاهای کم جمعیت، گلی و خشتی هستند و اغلب بسیار کوچک هستند».

شرکت‌کننده شماره ۵: «عامل اصلی برانگیختن فراگیر به درس و مطالعه، امکانات و تجهیزات کمک‌آموزشی متنوع مانند کیت‌های آموزشی ریاضی و علوم، پازل‌ها، ابزارهای ریاضی و ابزارهای علمی در محیط کلاسی است، اما دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه روستایی از این عامل محرومند».

شرکت‌کننده شماره ۱۰: «مدرسه‌ای که من در آن آموزگار هستم، از لحاظ امکانات و تجهیزات کمک‌آموزشی اولیه با کمبود مواجه است. ما وسایل کمک‌آموزشی ریاضی و علوم موردنیاز را نداریم»

شرکت‌کننده شماره ۱۱: «کلاس‌های چندپایه در مناطق روستایی با کمترین امکانات و تجهیزات آموزشی اداره می‌شوند و حتی گچ تحریر کافی هم در این کلاس‌ها وجود ندارد».

۳- بهره‌گیری از معلمان بی‌انگیزه و یا کم‌تجربه و آموزش ندیده:

با توجه به این که معلمان نقش تعیین‌کننده‌ای در آسان کردن فرایند یاددهی- یادگیری دارند، آموزش ناکافی به آن‌ها و یا آماده نکردن آن‌ها برای موقعیت‌های چندپایه یکی دیگر از چالش‌های کلاس‌های چندپایه است.

شرکت‌کننده شماره ۱: «در اینجا معلمانی که برای تدریس در کلاس‌های روستایی چندپایه به کار گرفته می‌شوند، اغلب از نیروهای کم‌تجربه و افراد در دسترس نظیر سرباز معلم، حق‌التدریس، نیروهای پیمانی و درصد بسیار کمی از فارغ‌التحصیلان دانشگاه فرهنگیان هستند که سال‌های اولیه خدمت خود را تجربه می‌کنند».

شرکت‌کننده شماره ۴: «معلمانی که قرار است در روستاها کلاس‌های چندپایه را تدریس کنند، از هیچ‌گونه آموزش پیش از خدمتی که زمینه‌ساز تجربه عملی و تفکر درباره تدریس چندپایه باشد، برخوردار نیستند، حتی در برخی از موارد، مدرک تحصیلی آن‌ها مرتبط با آموزش ابتدایی نیست».

شرکت‌کننده شماره ۶: «به دلیل امتیازات خدمت در روستا، اغلب معلمان ابتدایی سنوات بالا که در شرف بازنشستگی‌شان است، خدمت در کلاس‌های روستایی چندپایه را انتخاب می‌کنند که متأسفانه به دلیل فرسودگی سغلی انگیزه لازم را برای تدریس با کیفیت را ندارند».

شرکت‌کننده شماره ۷: «تدریس در کلاس‌های چندپایه پر زحمت و طاقت‌فرساست و بیشتر معلمان برای تدریس کلاس‌های تک‌پایه آموزش دیده‌اند. لذا فاقد دانش و توانایی‌های کافی برای اداره مؤثر کلاس‌های چندپایه هستند. متأسفانه راهبران آموزشی هم از این معلمان کم‌تجربه هم حمایت نمی‌کنند».

شرکت‌کننده شماره ۸: «من سال اولی که آمدم تدریس، منو فرستادن به یه روستای کوچک که یه اتاق داشت و باید چهار پایه را تدریس می‌کردم. در حالی که من سابقه تدریس نداشتم. صادفانه بگم تدریس در سال‌های اولیه در کلاس‌های چند پایه هم برای من سخت بود و هم برای بچه‌ها. چون من عملاً هیچ تجربه تدریسی در این کلاس‌ها نداشتم».

۴- شیوه‌های تدریس ناکارآمد:

شاید در بسیاری از شغل‌ها، آزمایش و خطا برای یادگیری و تجربه کردن مسائل، همراه با خطرات و زیان‌های غیرقابل جبران نباشد، اما در تعلیم و تربیت، هر آزمایش و خطایی همراه با زیان‌های جبران‌ناپذیری خواهد بود. این امر در واحدهای کوچک آموزشی، بخصوص کلاس‌های چندپایه، اهمیت زیادی دارد، زیرا اغلب این مدارس در مناطق دورافتاده هستند.

شرکت‌کننده شماره ۲: «واقعیت آن است که برای معلمان کلاس‌های چندپایه، آموزش جداگانه‌ای وجود ندارد که چگونه در این کلاس‌ها تدریس کنند و آن‌ها ناچارند از طریق تجربه و آزمایش و خطا، روش‌های ناکارآمدی را مورد استفاده قرار دهند و تدبیر خاصی جهت ارتقای توانایی‌ها و صلاحیت ایشان جهت به‌کارگیری روش‌های مؤثر تبادل تجارب و اطلاعات با دیگران، اندیشیده نشده است».

شرکت کننده شماره ۹: «متأسفانه روش تدریس اکثر معلمان کلاس‌های چندپایه غیر موثر و ناکارآمد است، چرا که آن‌ها برای تدریس، یک یا دو پایه را به عنوان محور اصلی فعالیت قرار داده و برای سایر پایه‌ها (گروه غیرمحور) فعالیت‌هایی در درس هنر، انشاء و ورزش و یا رونویسی که به نظر آنها کمتر به نظارت مستقیم معلم نیاز دارند، در نظر می‌گیرند. این گروه از معلمان در واقع چند کلاس تک پایه را اداره می‌کنند، نه یک کلاس چندپایه را».

۵- تفاوت سنی و ترکیب جنسیتی:

شرکت کننده شماره ۳: «به دلیل این که، دانش آموزان دختر و پسر پایه‌های مختلف تحصیلی در یک کلاس با هم حضور دارند و دوره‌های مختلف رشد جسمی و ذهنی متفاوتی را با نیازهای متفاوت می‌گذرانند مشکلات بسیاری را برای همدیگر و ما معلمان بوجود می‌آورد».

شرکت کننده شماره ۵: «گاهی عدم سازگاری دختران و پسران پایه‌های پنجم و ششم با هم دیگر، دعوا و مشاجره بین آن‌ها را به دنبال دارد و این گونه مشکلات به اطلاع خانواده‌ها می‌رسد و اختلافات فردی به خانوادگی تبدیل می‌شود و متأسفانه آن‌ها معلم را مسئول ایجاد این مشکل می‌دانند».

شرکت کننده شماره ۱۰: «بزرگ‌ترین مشکل کلاس‌های مختلط چندپایه، مسائل روابط دختران و پسران و تهدیدهای جنسی آن است. همچنین می‌تواند برای دانش آموزان پایه‌های پایین‌تر آموزش منفی را دنبال داشته باشد».

شرکت کننده شماره ۱۲: «به نظر من، ترکیب سنی و جنسیتی دانش آموزان می‌تواند باعث بروز مشکلاتی از قبیل بی‌انگیزگی، افت تحصیلی و بی‌توجهی به یادگیری در آن‌ها را به دنبال داشته باشد».

۶- دو زبانه بودن:

در روستاهای دوزبانه که کودکان در خانه با لهجه محلی خود سخن می‌گویند و در مدرسه زبان فارسی معیار حاکم است، شرایط تدریس برای معلم مشکل است. معلم برای رفع این مشکل باید وقت زیادی را صرف کند که در این صورت از اجرای سایر فعالیت‌های یاددهی - یادگیری عقب می‌افتد. بدین ترتیب زمینه افت تحصیلی دانش آموزان فراهم می‌شود.

شرکت کننده شماره ۱: «اکثر دانش آموزان مدارس روستایی ناحیه یک کرمانشاه دو زبانه هستند که متأسفانه گاهی پیش می‌آید که یک دانش آموز تا پایان سال تحصیلی نمی‌تواند سه جمله فارسی با من معلم و دوستانش صحبت کند».

شرکت کننده شماره ۷: «مدیریت و آموزش کلاس‌های چندپایه دارای بچه‌های دوزبانه خیلی مشکل است، مخصوصاً برای من معلم که خودم فقط فارسی صحبت می‌کنم. به همین دلیل آموزش و تدریس من در درس شفاهی بسیار کند و سخت پیش می‌رود».

۷- ضعف علمی پایه‌ای دانش آموزان:

شرکت کننده شماره ۲: «اگر بخواهم منصفانه صحبت کنم، اغلب دانش آموزان کلاس‌های چندپایه روستایی به دلیل کم کاری معلمان سال‌های قبل، عدم دسترسی به منابع کمک آموزشی، کتابخانه، مجلات درسی، روزنامه‌ها، اینترنت دچار ضعف علمی هستند».

شرکت کننده شماره ۳: «دلیل ضعف علم دانش آموزان روستایی متفاوت است اما بیسوادی یا کم سوادی والدین، کم توجهی به وضعیت تحصیلی آنان به سبب زیادبودن جمعیت خانواده و مشغله زیاد والدین، حضور دانش آموزان در کارهای کشاورزی و امورات دآمداری دلایل اصلی افت و ضعف علمی آن‌هاست».

شرکت کننده شماره ۸: «دانش آموزان روستایی، خزانه لغات محدودی دارند و به دلیل دوزبانه بودن برای درک و فهم مطالب و بیان اندیشه و احساسات خود با مشکلات بسیاری مواجه می‌شوند».

شرکت کننده شماره ۱۱: «با وجود اختصاص یافتن مربی پیش دبستانی به اکثر مدارس روستایی، عملاً به دلیل عدم استقبال والدین و پیگیری ضعیف مربیان، خروجی موفق‌تری نداشته است و بعضی از مربیان فقط نام کودکان پیش دبستانی را در کلاس ثبت کرده‌اند و یا به ندرت در کلاس‌های پیش دبستانی حضور پیدا می‌کنند».

۸- غیبت زیاد دانش آموزان و معلمان:

شرکت کننده شماره ۱: «واقعیت این است که اکثر دانش آموزان روستایی بدون کسب اجازه از معلم، جهت انجام کارهای مربوط به کشاورزی، دامپروری و یا به دلیل بارندگی و سرمای هوا و بیماری به‌طور مکرر غیبت می‌کنند و یا با تأخیر به مدرسه می‌رسند».

شرکت کننده شماره ۶: «متأسفانه اکثر دانش آموزان کلاس بعد از تعطیلات نوروز به دلیل حضور در کارهای کشاورزی و دآمداری کمتر در کلاس حضور پیدا می‌کنند. این امر سبب بی‌نظمی و اخلال در برنامه‌های آموزشی مدرسه می‌شود و مجبوریم بخشی از وقت خود را جهت آموزش دروس عقب مانده این دانش آموزان اختصاص دهیم».

شرکت کننده شماره ۹: «گاهی اوقات ما معلمان به دلیل شرکت در دوره‌های آموزشی، مشکلات خانوادگی، دوری و یا صعب‌العبور بودن راه، رسیدگی به امورات اداری مدرسه و ... غیبت می‌کنیم».

شرکت کننده شماره ۱۲: «اگر بخواهم منصفانه صحبت کنم، به دلیل دوری روستا و رفت و آمد کردن ممکن است صبح‌ها دیرتر به مدرسه برسیم و یا ممکن است به دلیل مشکلات فوق‌الذکر، زودتر از مدرسه خارج شویم».

۹- نامناسب بودن فضای آموزشی مدرسه و کلاس:

محیطی که در آن آموزش صورت می‌گیرد، حد و مرزی ندارد؛ اما بخشی از محیط انحصاراً و عمداً برای آموزش طرح‌ریزی شده است. به این بخش که اهمیت زیادی دارد، فضای آموزشی گفته می‌شود. فضای آموزشی دارای دو بُعد فیزیکی و فرهنگی است. بعد فیزیکی آموزشی شامل: محوطه مدرسه، فضای سبز، کلاس‌ها، آزمایشگاه، کارگاه و مراکز دیداری و شنیداری و ... است که اغلب مدارس چندپایه فضای آموزشی مناسبی ندارند.

شرکت‌کننده شماره ۵: «مدارس روستایی اغلب ساختمان‌های غیراستاندارد هستند و فضای فیزیکی آن‌ها اصلاً شباهتی با مدارس و کلاس درس ندارند و این امر سبب می‌شود، من معلم نتوانم فرایند آموزشی با کیفیتی را در کلاس ارائه دهم».

شرکت‌کننده شماره ۱۰: «اغلب روستاهای پرجمعیت دارای ساختمان آموزشی تازه‌ساز هستند، اما هنوز روستاهای زیادی وجود دارند که فضای آموزشی استاندارد ندارند و دانش‌آموزان آن‌ها در یک ساختمان قدیمی، مخروبه، کم نور و ... در حال آموزش دیدن هستند».

در مجموع می‌توان آسیب‌های آموزشی کلاس‌های چندپایه روستایی را در جدول شماره ۱ نشان داد.

جدول شماره ۱: آسیب‌های آموزشی کلاس‌های چندپایه روستایی

آسیب‌های آموزشی کلاس‌های چندپایه روستایی	کمبود وقت
	کمبود امکانات و تجهیزات کمک‌آموزشی
	بهره‌گیری از معلمان کم‌انگیزه و کم‌تجربه
	شیوه‌های تدریس ناکارآمد
	تفاوت سنی و ترکیب جنسیتی
	دو زبانه بودن
	ضعف علمی پایه‌ای دانش‌آموزان
	غیبت زیاد دانش‌آموزان و معلمان
	نامناسب بودن فضای آموزشی

ب- راه‌کارهای کیفیت‌بخشی آموزشی به کلاس‌های چندپایه:

راه‌کارهای کیفیت‌بخشی آموزشی متعددی توسط شرکت‌کنندگان مطرح گردید. مهمترین آن‌ها موارد زیر است:

۱- **انتخاب معلم‌یار از بین دانش‌آموزان برتر هر پایه:** معلم‌یار به افرادی از دانش‌آموزان گفته می‌شود که معلم از آن‌ها برای مدیریت بهتر کلاس استفاده می‌کند. یکی از وظایف اصلی معلم‌یاران کلاس، نقش نظارت‌کننده آن‌ها می‌باشد، به این معنی که وقتی معلم در حال تدریس به سایر پایه‌هایی که محور تدریس قرار گرفته‌اند، می‌باشد، معلم‌یار به یاری معلم شتافته و بر فعالیت‌های سایر پایه‌ها که به صورت خودآمخت آموزش داده می‌شوند، نظارت نموده و در صورت لزوم و در حد توانایی خود، دانش‌آموزان و هم‌کلاسی‌هایش را راهنمایی می‌کنند و در پایان هر جلسه نیز گزارش کار فعالیت‌های دانش‌آموزان را به معلم ارائه می‌کند.

«من میتوانم به راحتی در تدریس کتابهای کلاس‌های پایین از تجربه و دانش دانش‌آموزان کلاسهای بالا استفاده کنم. چون اونا قبلاً این کتابها رو خودندن و بلدن» (معلم، کد مصاحبه ۹).

«در کنار موانعی که در تدریس کلاسهای چند پایه وجود دارد فوایدی هم برای معلم‌ها و دانش‌آموزان دارد. مثلاً چون سن دانش‌آموزان به هم نزدیک است و زبان همدیگر رو بهتر از معلم درک می‌کنند به همین خاطر میتوانند معلم همدیگر باشند و راحت تر از معلم به یکدیگر درس بدهند. مخصوصاً پایه‌های بالا می‌توانند معلم خوبی برای پایه‌های پایین تر از خود باشند» (معاون آموزگار، کد مصاحبه ۳).

۲- **بهره‌گیری از الگوهای ترکیبی و نوین تدریس:** اکثر شرکت‌کنندگان در پاسخ به این سوال که بهترین روش تدریس در کلاس‌های چندپایه کدام است معتقد بودند؛ هیچ یک از روش‌های تدریس فی‌نفسه خوب یا بد نیستند، بلکه نحوه و شرایط استفاده از آن‌هاست که باعث قوت یا ضعف‌شان می‌شود. لذا معلم باید با توجه به هدف‌های آموزش، محتوی هر درس، نیازها و علایق دانش‌آموزان، امکانات موجود، تراکم دانش‌آموزان، تعداد پایه‌های موجود در کلاس و ... مناسب‌ترین شیوه را برای یک تدریس مطلوب انتخاب نماید. مسلماً در یک جلسه تدریس، الزاماً نباید فقط از یک روش استفاده کنیم و بر حسب موقعیت می‌توانیم ترکیبی از روش‌های تدریس را مورد بهره‌برداری قرار دهیم. برای انجام این مهم باید شناخت، توانایی و مهارت‌های فراوان در به‌کار بردن الگوهای متنوع تدریس را داشته باشیم. بسیاری از معلمان میان الگو و روش تفاوت قائل نیستند، ولی با توجه به تعاریف الگو و روش تدریس می‌توان دریافت که هر معلمی در واقع با انتخاب یک الگوی خاص، راه و روش و رسانه مورد لزوم برای رسیدن به هدف را نیز انتخاب کرده‌است. این که فقط نیاز به تغییر را بشناسیم در خیلی از موارد ما را به مقصود نمی‌رساند. دستیابی به پیشرفت آموزشی به دانسته‌ها و مهارت‌های معلمان بستگی دارد. البته معلم باید مفاهیم پیچیده را توضیح دهد اما شیوه‌های دیگری هم برای اصلاح آموزش داریم که دستیابی به آنها به مهارت معلم نیاز دارد.

۳- **تأمین امکانات و تجهیزات آموزشی و کمک آموزشی مورد نیاز:** اکثر شرکت کنندگان اعتقاد داشتند که فضای آموزش و تجهیزات یکی از مهم ترین عوامل توانمندسازی مدرسه است که نقش تأثیرگذاری بر کیفیت آموزشی و تربیتی دانش آموزان دارد. با توجه به الگوهای رفتاری کودکان در محیط های آموزشی می توان فضاهای آموزشی و ورزشی مدارس را طوری طراحی کرد که باعث جذابیت و لذت بخش بودن محیط مدرسه برای دانش آموزان باشد و همین امر نقش عمده ای در افزایش یادگیری دانش آموزان دارد. در نظام آموزشی تجهیزات و وسایل کمک آموزشی به عنوان ابزاری برای سهولت در امر تدریس و یادگیری به کار می روند، زیرا آموزش ثنوری و عملی را با هم ترکیب کرده و باعث یادگیری و تنوع در کلاس درس می شوند. بنابراین استفاده از تجهیزات و وسایل کمک آموزشی می تواند تجارب عینی و واقعی را در اختیار دانش آموزان قرار دهد، دستیابی به نتایج فوری از آموزش را ممکن و اثر یادگیری را دائمی کند.

۴- **بروز کردن و جبران کمبود اطلاعات حرفه ای معلمان:** شرکت کنندگان اذعان داشتند، کلاس های چندپایه نیازمند معلمان حرفه ای و باسواد است. آن ها جهت بروز کردن و جبران اطلاعات حرفه ای این معلمان راه کارهای مختلفی را ارائه دادند که شامل برگزاری جلسات، کارگاه ها و دوره های ضمن خدمت حضوری جهت معلمان روستایی کلاس های چندپایه و بهره گیری از مدرسان صاحب نظر، خودتوانمندسازی معلمان از طریق مطالعه منابع، مجلات آموزشی و تربیتی و نتایج پژوهش های جدید در زمینه شغلی، تبادل تجارب معلمان روستایی کلاس های چندپایه از طریق بازدید کردن و ... بود.

۵- **بهره گیری از فناوری های نوین اطلاعاتی و ارتباطی:** شرکت کنندگان بر این باور بودند که پیش نیاز بهره گیری از فناوری های نوین اطلاعاتی و ارتباطی در کلاس، اختصاص بودجه جهت خرید تجهیزات مورد نیاز (لب تاپ، ویدئو پروژکتور، فیلم های آموزشی و ...) توسط مسئولان و مدیران و تجهیز مدارس روستایی است. اگر امکان انجام این کار برای تمامی مدارس روستایی نبود، حداقل چندین مدرسه روستایی (به عنوان مدارس معین) به این فناوری های تجهیز شوند، تا دانش آموزان سایر روستاها یک روز در هفته در آنجا حضور یابند. در ضمن می توان از خیرین منطقه نیز جهت خرید وسایل بهره گرفت. همچنین جهت معلمان کلاس های چندپایه دوره ضمن خدمت مرتبط با فناوری های نوین آموزشی برگزار گردد.

جدول شماره ۱: آسیب های آموزشی کلاس های چندپایه روستایی

انتخاب معلم یار از بین دانش آموزان برتر هر پایه	راه کارهای کیفیت بخشی آموزش به کلاس های چندپایه
بهره گیری از الگوهای ترکیبی و نوین تدریس	
تأمین امکانات و تجهیزات آموزشی و کمک آموزشی مورد نیاز	
بروز کردن و جبران کمبود اطلاعات حرفه ای معلمان	
بهره گیری از فناوری های نوین اطلاعاتی و ارتباطی	

نتیجه گیری

هدف اصلی این پژوهش، پدیدارشناسی تجارب معلمان از آسیب های آموزش در کلاس های چند پایه روستایی و راه کارهای بهبود آموزش در آن ها است. برای درک تجارب زیسته معلمان از روش پژوهش نمودشناسی تفسیری که از رویکردهای پژوهش کیفی و روش تحلیل محتوا است، استفاده شده است. یافته های پژوهش نشان داد که مهمترین آسیب های آموزشی کلاس های چندپایه روستایی شامل کمبود وقت، کمبود امکانات و تجهیزات کمک آموزشی، بهره گیری از معلمان کم انگیزه و کم تجربه، شیوه های تدریس ناکارآمد، تفاوت سنی و ترکیب جنسیتی، دو زبانه بودن، ضعف علمی پایه ای دانش آموزان، غیبت زیاد دانش آموزان و معلمان و نامناسب بودن فضای آموزشی بود. با توجه به ادبیات و پیشینه پژوهش می توان چنین نتیجه گیری کرد که حدود زیادی آسیب های آموزش در کلاس های چندپایه در داخل و خارج کشور، با شدت و ضعف، یکسان هستند و این امر نشان می دهد بیشتر کشورهای دنیا با مسائل و مشکلات کلاس های چندپایه روبه رو هستند و برای رفع یا کاهش اثرات این چالش ها، نیازمند عزم همگانی در سطح کشور استان و کشور است، چرا که با بررسی پیشینه پژوهش، این واقعیت آشکار شد که از اوایل انقلاب شکوهمند اسلامی تاکنون، مشکلات کلاس های چندپایه همچنان پابرجا هستند، هر چند اقدامات مقطعی و محدودی صورت گرفته است، اما کافی نیست و مسئولان آموزش و پرورش باید در این زمینه طرحی نو دراندازند و با بهره گیری از تمام امکانات داخلی و تجارب کشورهای دنیا، به رفع این آسیب ها اهتمام ورزند تا عدالت آموزشی در کشور تحقق یابد

مهمترین راه کارهای بیان شده در خصوص کیفیت بخشی به آموزش کلاس های چندپایه توسط شرکت کنندگان شامل انتخاب معلم یار از بین دانش آموزان برتر هر پایه، بهره گیری از الگوهای ترکیبی و نوین تدریس، تأمین امکانات و تجهیزات آموزشی و کمک آموزشی مورد نیاز، بروز کردن و جبران کمبود اطلاعات حرفه ای معلمان و بهره گیری از فناوری های نوین اطلاعاتی و ارتباطی بود.

در نهایت می توان چنین نتیجه گیری کرد که آموزش در این کلاس ها اگرچه توأم با مشکلات، محدودیت ها، معایب و نقاط ضعف است ولی نباید از نقاط قوت و محاسن آموزش در این کلاس ها چشم پوشی نمود، از جمله محاسن این کلاس ها می توان به تکرار و یادآوری مطالب آموزشی برای دانش آموزان پایه های بالاتر، فعال

بودن و همیاری دانش‌آموزان در امر یادگیری، تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری، تعامل اجتماعی بالای دانش‌آموزان، آشنا شدن دانش‌آموزان پایه‌های پایین با محتوا و مطالب دروس سال‌های بعد، زُنده شدن و چند مهارتی شدن معلم، افزایش اعتماد به نفس دانش‌آموزان را نام برد. معلم برای حداکثر استفاده دانش‌آموزان از مزایای این شیوه آموزش، بهتر است آنان را تشویق کند تا با همیاری یکدیگر و به صورت مشارکتی به یادگیری بپردازند. از این طریق تعاملات اجتماعی دانش‌آموزان به دلیل داشتن تعامل با دوستان خود در کلاس که از سنین متفاوت هستند افزایش می‌یابد. در چنین محیطی دانش‌آموز، فردی فعال، پویا و مسئول می‌باشد.

منابع

- آقازاده، محرم (۱۳۹۱). تحلیل وضع موجود اجرای برنامه درسی در کلاس‌های درس چندپایه و ارائه الگوی عملی کیفیت بخشی در این زمینه. طرح پژوهشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی دفتر برنامه‌ریزی و تالیف کتاب‌های درسی.
- آقازاده، محرم؛ فضل‌ی، رخساره (۱۳۸۹). راهنمای آموزش در کلاس‌های درس چندپایه. تهران: آبیژ.
- بشیری حدادان، کلثوم (۱۳۹۲). توصیف تجارب و ادراک معلمان و کارشناسان از آموزش در کلاس‌های چندپایه دوره ابتدایی مناطق روستایی کلیبر. دو فصلنامه علمی- پژوهشی دانشگاه شاهد، سال بیست و دوم، پاییز و زمستان ۹۴، دوره جدید شماره ۷: ۱۰۷-۱۲۰.
- پیروی چشناسر، شیرعلی؛ شعبان‌نژاد، رضا؛ کرمی‌پور شمس‌آبادی، محمدرضا (۱۳۹۴). بررسی موانع و مشکلات مدیریت کلاس چندپایه ابتدایی در فرآیند تدریس از نظر آموزگاران مدارس چندپایه ابتدایی ناحیه ۱ قزوین. اولین همایش ملی علمی- پژوهشی. روانشناسی، علوم تربیتی و آسیب‌شناسی جامعه، شهریور ۹۴: ۹۵۷۸-۹۵۴۸.
- حاجی اسحاق، سهیلا؛ حشمتی، فرخ‌لقا؛ مساعد مقدم، تقی (۱۳۸۳). فرآیند یاددهی- یادگیری در کلاس‌های چندپایه. تهران: موسسه کوروش.
- ده‌بندی، زینب (۱۳۸۹). مقایسه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تجمع شده و کلاس‌های چندپایه دوره ابتدایی استان مازندران و ارائه راه کارهای مناسب به مسئولان ذیربط، گزارش طرح پژوهشی آموزش و پرورش مازندران.
- شکوهی، غلامحسین (۱۳۸۵). تعلیم و تربیت و مراحل آن. مشهد: نشر به.
- صمدیان، صمد (۱۳۸۵). شیوه اداره و تدریس در کلاس‌های چندپایه. تبریز: مولف.
- مکوسانا، کنعان؛ کاپیسا، ماری جویس (۱۳۸۶). خودآموز تدریس چندپایه (ترجمه محرم آقازاده). تهران: آبیژ.
- میرشفیعی لنگری، سید داود (۱۳۹۴). یک موقعیت خاص به نام چندپایه، شیوه آموزش در کلاس چندپایه دوره ابتدایی. تهران: انتشارات مدرسه.

۱- ۰۰۰۰۰۰، ۰۰۰۰۰۰ (۲۰۱۰). ۰۰۰۰ "۰۰۰۰۰۰۰۰" ۰۰۰۰۰۰. ۰۰۰۰://۰۰۰. ۰۰۰۰. ۰۰. ۰۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰/۵-۰۰۰۰۰۰۰۰.

- Naylor, CH. (2000). Split – Grade And Multi – age Classes: A Review Of the Research.

DC:Hyperlink“<http://www.bctf.bc.ca/ResearchReports/ooio2>”.

- Sargent ,Katherine. I. (2005). The Maine Learning Technology Initiative: What is the Impact on Teacher Beliefs and Instructional Practices?

- Veenman, S. (1995). Cognitive and Non Cognitive Effect Of Multi– Age Classes. A Best Evidence Synthesis. Review Of Educational Reseach. 65 (4).